فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در
مدیریت و حسابداری
سال نهم، شماره ۹۹، زمستان ۱۴۰۴، ۱۰۶۹-۱۰۵۱

Journal of New Research Approaches
in Management and Accounting
ISSN: 2588-4573
http://www.majournal.ir

تبیین مبانی مفهومی سرمایه اجتماعی

محمد کاظم پور تیمورلوئی *[1]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۱۲/۲۸

چکیده

ادبیات جنبه های نظری و تجربی سرمایه اجتماعی در دهه گذشته رشد چشمگیری داشته است. سرمایه اجتماعی به عنوان شبکه‌هایی همراه با هنجارها، ارزش‌ها و درک مشترک تعریف می‌شود که همکاری درون یا بین گروه‌ها را تسهیل می‌کند. در جامعه ای که فاقد سرمایه اجتماعی کافی است سایر سرمایه ها ابتر می مانند و تلف می شوند.از این روست که سرمایه اجتماعی محور اصلی مدیریت در سازمانها محسوب می شود. هدف این پژوهش مروری جامع بر مفاهیم و مولفه های اصلی سرمایه اجتماعی است. روش توصیفی بر پایه مطالعه اسناد هست در این پژوهش سه تئوری، سه رویکرد، دو دیدگاه، سه سطح تحلیل و سه چارچوب سنجش برای سرمایه اجتماعی شناسایی شده است. کل مفهوم سرمایه اجتماعی بر روابط اجتماعی متمرکز است و عناصر اصلی آن شامل شبکه های اجتماعی، مشارکت مدنی، هنجارهای تعامل متقابل و اعتماد عمومی است. به طور کلی، به عنوان یک دارایی فردی و جمعی در قالب هنجارهای مشترک، ارزش ها، باورها، اعتماد، شبکه ها، روابط اجتماعی و نهادهایی تعریف می شود که همکاری و اقدام جمعی را برای منافع متقابل تسهیل می کند.

واژگان کلیدی

رویکردها، منابع، سطح تحلیل، سنجش.

[1] دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. (*نویسنده مسئول: mkazempour4@gmail.com)

۱. مقدمه

سرمایه اجتماعی یک مفهوم قدیمی است اما تنها در دهه ۱۹۹۰ وارد بحث های دانشگاهی و سیاستی شد. اهمیت آن در در سال های اخیر بیش از پیش احساس شده است. ادبیات استدلال می کند که عوامل فناوری، سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی تنها بخشی از دارایی های مهم سازمان و توسعه را توضیح می دهند. در کشور ما، عوامل اجتماعی و فرهنگی مثل؛ هنجارها، ارزش‌ها، باورها و نهادها از کلیدی ترین مفاهیم و عوامل محسوب می شوند. که نقش برجسته‌ای در عملکرد دارند و ما باید آن عوامل فرهنگی را در تبیین توسعه وعملکرد سازمانهایمان باید در نظر بگیریم. بدون توجه به این عوامل کلیدی احتمال توفیق مدیریت سازمان ها و جامعه اندک خواهد بود. فوکویاما (۲۰۰۱) انتقاد کرد که اقتصاددانان معمولاً فرضیات را ساده‌سازی می‌کنند مبنی بر اینکه انسان‌ها منطقی هستند و رفتار به حداکثر رساندن سودمندی آن‌ها در سراسر جوامع تغییرناپذیر است. در نتیجه، نظام های ارزشی اجتماعی را نادیده می گیرند. همه این انتقادات به هم مرتبط هستند و بر اهمیت عوامل اجتماعی و فرهنگی در نظریه های اقتصادی تاکید می کنند.در عصر حاضر برای توسعه،بیشتر از هر سرمایه دیگری به سرمایه اجتماعی نیازمندیم،زیرا بدون این سرمایه استفاده از سرمایه های دیگر به طور بهینه صورت نمی گیرد. مسئله اصلی این است که چرا سرمایه اجتماعی در سازمان مهم است (کارول و استنفیلد،۲۰۰۳).

در دو دهه اخیر، سرمایه اجتماعی به عنوان مفهومی کلیدی در ادبیات توسعه و مدیریت مطرح شده است. اهمیت این مفهوم از آنجا ناشی می‌شود که سرمایه‌های فناوری، فیزیکی و انسانی به تنهایی قادر به تبیین کامل عملکرد سازمانی و توسعه اقتصادی نیستند. از مهم ترین دلایل توجه به سرمایه اجتماعی کمک به بهبود عملکرد سازمان ها است و به گروه های اجتماعی کمک می کند تا از طریق: هنجارها و ارزش های مشترک (به عنوان مثال، صداقت، احترام، برابری)؛ روابط بین فردی؛ اعتماد اجتماعی؛ درک مشترک؛ همکاری و همیاری؛ عمل متقابل؛ حس مشترک هویت و حمایت اجتماعی قوی کار کنند. یکی از ویژگی های مهم سرمایه اجتماعی این است که در اثر استفاده از بین نمی رود، بلکه پرورش روابط باعث افزایش سرمایه اجتماعی می شود. در این پژوهش سعی کردیم یک مرور جامع از مبانی و مولفه های اصلی سرمایه اجتماعی را به خواننده ارائه و به روش توصیفی-تحلیلی به سوالات زیر پاسخ دهیم.

مهم ترین سوالاتی که مطرح است:

چرا ایجاد سرمایه اجتماعی مهم است؟ آیا سرمایه اجتماعی ویژگی یک فرد است یا ویژگی یک جامعه ؟ چگونه می توانیم موجودی سرمایه اجتماعی را افزایش دهیم؟

۲. مبانی نظری و ادبیات پژوهش

یکی از اولین تعاریف سرمایه اجتماعی در اوایل قرن بیستم توسط جامعه شناس فرانسوی جودسون هانیفان(۱۹۲۰) پدیدار شد که آن را اینگونه تعریف کرد: سرمایه اجتماعی ... به آن دسته از دارایی های غیر ملموس اطلاق می شود که در زندگی روزمره مردم بیشترین اهمیت را دارند: یعنی حسن نیت، همراهی، همدردی، و روابط اجتماعی در میان افراد و خانواده هایی که یک جامعه را تشکیل می دهند». با این حال، بخش بزرگی از ادبیات سرمایه اجتماعی به تعاریف سه محقق مهم (بوردیو، کلمن و پاتنام) اشاره دارد که مفهوم سرمایه اجتماعی را به شهرت رسانند. تعارف سرمایه اجتماعی از منظر اندیشمندان در جدول (۱) زیر آورده شده است.

جدول.۱ تعاریف سرمایه اجتماعی (منبع: اقتباس شده از آدلر و کوون،۲۰۰۲)

(بیکر،۱۹۹۰)	منبعی که بازیگران از ساختارهای اجتماعی خاص استخراج می‌کنند و سپس از آن برای تعقیب منافع خود استفاده می‌کنند. با تغییر در روابط بین بازیگران ایجاد می شود.
(بلیو، اوریلی و وید،۱۹۹۶)	«شبکه شخصی یک فرد و وابستگی های نهادی نخبگان»
(بوردیو، ۱۹۸۶)	«مجموعه منابع بالفعل یا بالقوه که به داشتن شبکه ای بادوام از روابط کم و بیش نهادینه شده آشنایی یا شناخت متقابل مرتبط است»
(بوردیو و واکوانت ،۱۹۹۲)	«مجموع منابعی، واقعی یا مجازی، که به واسطه داشتن شبکه ای بادوام از روابط کم و بیش نهادینه شده آشنایی و شناخت متقابل به یک فرد یا گروه تعلق می گیرد»
(باکسمن و همکاران، ۱۹۹۱)	"تعداد افرادی که می توان از آنها انتظار داشت حمایت ارائه کنند و منابعی که این افراد در اختیار دارند"
(برهم و ران، ۱۹۹۷)	"شبکه روابط تعاونی بین شهروندان که حل مشکلات اقدام جمعی را تسهیل می کند"
(برت، ۱۹۹۲)	"دوستان، همکاران و مخاطبین عمومی تر که از طریق آنها فرصت هایی برای استفاده از سرمایه مالی و انسانی خود دریافت می کنید"
(کلمن، ۱۹۹۰)	سرمایه اجتماعی با کارکرد آن تعریف می شود. این یک موجود واحد نیست، بلکه مجموعه‌ای از موجودیت‌های مختلف است که دو ویژگی مشترک دارند: همه آنها از جنبه‌ای از ساختار اجتماعی تشکیل شده‌اند، و اعمال خاصی را برای افراد در درون ساختار تسهیل می‌کنند.»
(فوکویاما، ۱۹۹۷)	سرمایه اجتماعی را می توان صرفاً به عنوان وجود مجموعه معینی از ارزش ها یا هنجارهای غیررسمی مشترک بین اعضای یک گروه تعریف کرد که امکان همکاری بین آنها را فراهم می کند.
(اینگلهارت، ۱۹۹۷)	"فرهنگ اعتماد و مدارا، که در آن شبکه های گسترده ای از انجمن های داوطلبانه ظهور می کند"
(کنوک،۱۹۹۹)	"فرآیندی که توسط آن بازیگران اجتماعی ارتباطات شبکه ای خود را در درون و بین سازمان ها ایجاد و بسیج می کنند تا به منابع دیگر بازیگران اجتماعی دسترسی پیدا کنند"
(لوری، ۱۹۹۲)	"روابط اجتماعی طبیعی بین افراد که که باعث ترویج یا کمک به کسب مهارت ها و ویژگی های ارزشمند در بازار میشود... دارایی که ممکن است به اندازه توصیه های مالی در حسابداری برای حفظ نابرابری در جامعه ما مهم باشد."
(نهاپیت و گوشال، ۱۹۹۸)	«مجموع منابع بالفعل و بالقوه نهفته در درون، در دسترس و مشتق شده از شبکه روابطی که یک فرد یا واحد اجتماعی در اختیار دارد. بنابراین سرمایه اجتماعی هم شبکه و هم دارایی هایی را در بر می گیرد که ممکن است از طریق آن شبکه بسیج شوند."
(پنار، ۱۹۹۷)	«شبکه روابط اجتماعی که بر رفتار فردی تأثیر می گذارد و در نتیجه بر رشد اقتصادی تأثیر می گذارد»
(پورتس، ۱۹۹۸)	«توانایی بازیگران برای تأمین منافع به واسطه عضویت در شبکه‌های اجتماعی یا سایر ساختارهای اجتماعی»
(پورتس و سنسنبرنر، ۱۹۹۳)	«آن انتظارات برای اقدام در یک مجموعه که بر اهداف و هدف اقتصادی تأثیر می‌گذارد» رفتار جستجوی اعضای آن، حتی اگر این انتظارات معطوف به حوزه اقتصادی نباشد»
(پاتنام، ۱۹۹۵)	"ویژگی های سازمان اجتماعی مانند شبکه ها، هنجارها و اعتماد اجتماعی که هماهنگی و همکاری را برای منافع متقابل تسهیل می کند"

(شیف، ۱۹۹۲)	«مجموعه‌ای از عناصر ساختار اجتماعی که بر روابط بین مردم تأثیر می‌گذارد و ورودی‌ها یا استدلال‌های عملکرد تولید و/یا مطلوبیت هستند»
(توماس ۱۹۹۶)	"آن ابزارها و فرآیندهای داوطلبانه توسعه یافته در جامعه مدنی که توسعه را برای کل جمعی ترویج می کند"
(وولکاک،۱۹۹۸)	«اطلاعات، اعتماد، و هنجارهای تعامل متقابل که در شبکه های اجتماعی فرد به ارث می رسد»
(سازمان همکاری و توسعه اقتصادی،۲۰۰۱)	سرمایه اجتماعی را به عنوان "شبکه هایی همراه با هنجارها، ارزش ها و درک مشترک که همکاری درون یا بین گروه ها را تسهیل می کند"

در مجموع، تعاریف سرمایه اجتماعی در سراسر رشته ها دارای یک موضوع مشترک است: آنها آن را به عنوان روابط/شبکه های اجتماعی درک می کنند که برای فرد/گروه/شرکت در ساختار اجتماعی زندگی/عملیاتی برای منافع فردی/متقابل در دسترس است و توسط آن توسعه می یابد. اکثر محققان موافقند که سرمایه اجتماعی چند بعدی است و اصطلاحی برای طیف وسیعی از عوامل اجتماعی مانند شبکه ها، هنجارها، اعتماد، هویت اجتماعی، تعلق و بسیاری موارد دیگر است.

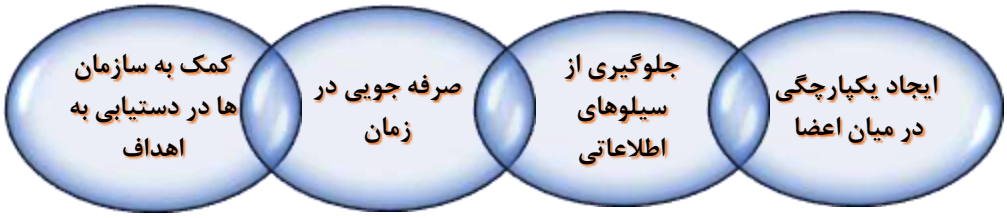
یکی از ویژگی های مهم سرمایه اجتماعی این است که در اثر استفاده از بین نمی رود، بلکه پرورش روابط باعث افزایش سرمایه اجتماعی می شود. سرمایه اجتماعی بالا در سطح سازمانی مهم است زیرا:(شکل.۱)

۱. به سازمان ها در دستیابی به اهداف کمک می کند: ایجاد سرمایه اجتماعی به سازمان و جامعه کمک می کند تا به اهداف بلندپروازانه دست یابند. وقتی کارکنان در محل کار روابط معناداری دارند، تمایل بیشتری برای همکاری با سایر کارمندان دارند.

۲. باعث صرفه جویی در زمان می شود: وقتی سازمان‌ها شبکه‌های اجتماعی ضعیف و سرمایه اجتماعی پایینی دارند، توافق برای کارمندان دشوار است. همچنین برای آنها دشوار است که به طور سازنده اختلاف نظر داشته باشند یا نقاط مشترک را تشخیص دهند. وقتی یک تیم سرمایه اجتماعی بالایی دارد، سطح پایه اعتماد دارند.

۳. از سیلوهای اطلاعاتی جلوگیری می کند: سیلو اطلاعات به معنای عدم به اشتراک گذاشتن اطلاعات و دانش با سایر کارکنان است. وقتی یک سازمان کارکنان را به اشتراک گذاری اطلاعات تشویق نمی کند، سیلوهای اطلاعات رشد می کنند.

۴. ایجاد یکپارچگی در میان اعضا : هنجارها و باورهای محکم موجب ایجاد شبکه های اجتماعی قوی می شودکه در برگیرنده اداب و رسوم و قوانین خاصی است و این هنجارها جایگزین کنترل های رسمی می شود.



شکل .۱ دلایل اهمیت چرایی ایجاد سرمایه اجتماعی

منابع سرمایه اجتماعی : با توجه به تعریف گسترده ای از سرمایه اجتماعی نشان می دهد که هر عاملی که به «اجتماعی» بودن مربوط می شود، برای گنجاندن در فهرست مرتبط است، تعجب آور نیست. اگر اجتماعی بودن منافع یا هزینه‌های بالقوه‌ای به همراه دارد، می‌توان آن را منبع سرمایه اجتماعی در نظر گرفت. آن‌ها می‌توانند شامل عواملی باشند که تعامل و تبادل اجتماعی، توسعه هنجارهای این تعاملات و حتی عواملی را که باورها و ارزش‌هایی را که بخشی از فرهنگ یک جامعه هستند، شکل می‌دهند. همانطور که جدول زیر نشان می دهد، این عوامل می تواند تقریباً هر چیزی را شامل شود. هر یک از منابع ذکر شده دارای روابط متقابل پیچیده ای با سرمایه اجتماعی است. در حالی که منابع سرمایه اجتماعی در سطوح مختلف تحلیل ممکن است متفاوت باشد، اما به طور جدایی ناپذیری به هم مرتبط هستند. جدول(۲) نمونه هایی از منابع رایج سرمایه اجتماعی را نشان می دهد (کارول و استنفیلد،۲۰۰۳).

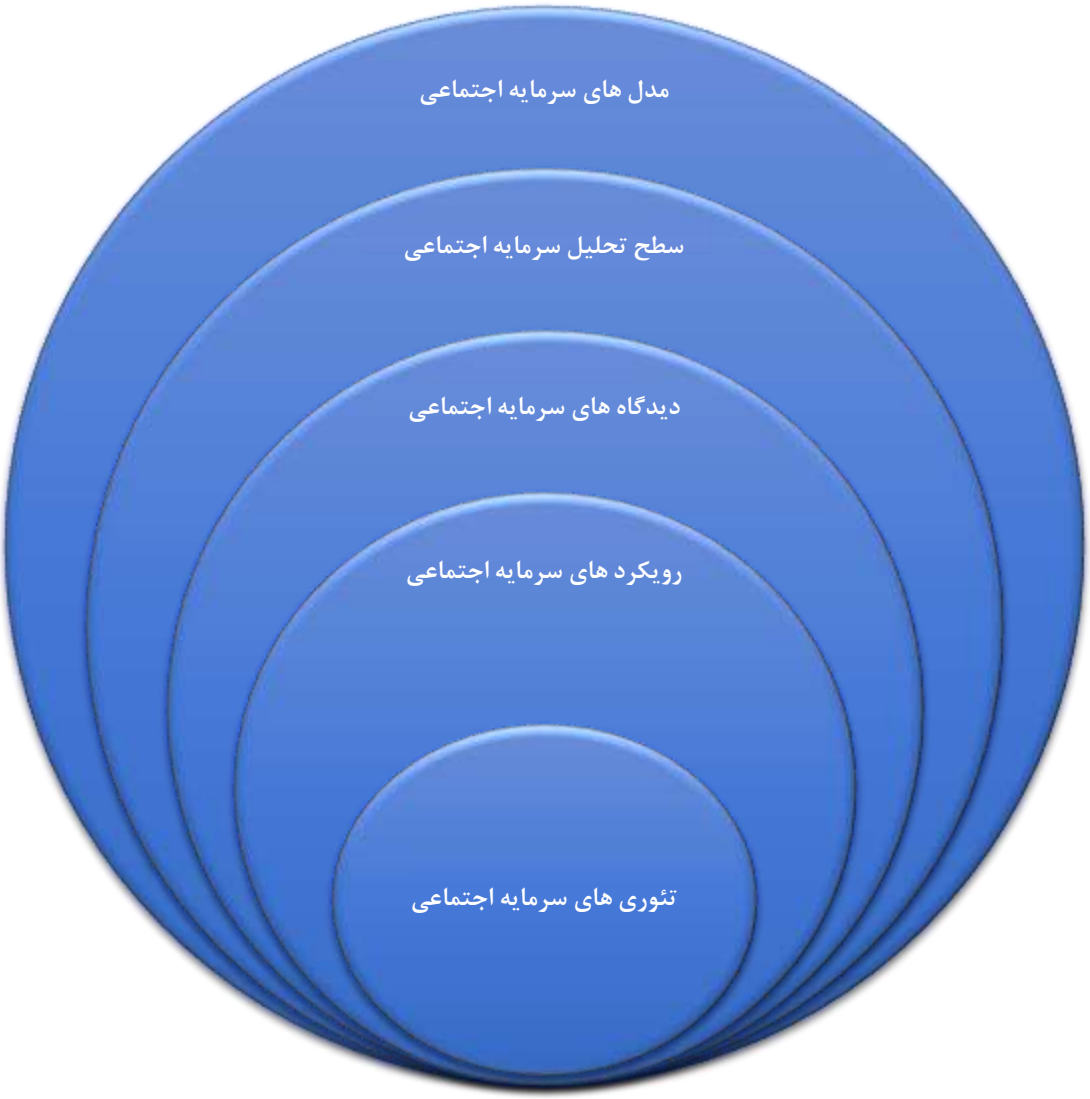
جدول.۲ منابع سرمایه اجتماعی منبع: نویسنده اقتباس از کارول و استنفیلد،۲۰۰۳ با حذف و اضافه).
* قدرت و ویژگی های جامعه مدن * مقیاس سازمان های اجتماعی * محیط ساخته شده شامل حمل و نقل و طراحی شهری * تحرک مسکونی* تلویزیون و فناوری های دیجیتال * خانواده * تحصیلات * ارزش ها و باورهای فردی * تاریخ و فرهنگ * نابرابری های اقتصادی و طبقه اجتماعی * ناهمگونی قومی و اجتماعی * ساختارها و سلسله مراتب اجتماع * سیستم های قانونی و اجرای قانون * نظام های اقتصادی و سیاسی شامل روابط و ساختارهای رسمی * روندهای بازار کار * اندازه و ماهیت دولت رفاه * دین و سازمان دینی

۳. روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش توصیفی- تحلیلی است که با استفاده از رویکرد مروری در تحلیل اسنادی و مطالعات کتابخانه ای، به بررسی هدف اصلی تحقیق می پردازد. تحقیق توصیفی نوعی تحقیق است که جمعیت، موقعیت یا پدیده ای را که در حال مطالعه است، توصیف می کند و بر پاسخگویی به پرسش های چگونه، چه، چه زمانی و کجا در صورت یک مشکل پژوهشی تمرکز می کند تا چرایی. این مقوله عمدتاً به این دلیل است که قبل از بررسی اینکه چرا در وهله اول وجود دارد، درک درستی از چیستی یک مشکل تحقیقاتی مهم است (اسنایدر،۲۰۱۹). بعبارتی کلی تر، مفهوم رویکرد تحلیلی- توصیفی این است: که در آن محقق علمی پدیده ها و مسائل مختلف علمی را تشریح می کند و دانش نظری را گسترش می دهد. داده های جمع آوری شده با رویکرد توصیفی- تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرند تا بتوان توضیحات و نتایج مناسب را استخراج کرد (لاولز،۲۰۱۰). از طریق مطالعات اسنادی در زمینه مجلات علمی پژوهشی مرتبط با موضوع و جستجو در پایگاه های اطلاعات، مقالاتی که در حوزه سرمایه اجتماعی نگارش شده اند انتخاب گردید. سپس مقالات در دو دسته شامل مبانی نظری سرمایه اجتماعی و ابعاد و مولفه ها تفکیک گردید. در ادامه با تمرکز به سوالات پژوهش اطلاعات مورد نیاز استخراج گردید. سرانجام با توجه به موارد مطرح شده داده ها دسته بندی و مورد بررسی قرار گرفت.

٤. یافته‌های پژوهش

با تحلیل محتوای مقالات پنج سطح تحلیل برای سرمایه اجتماعی شناسایی شد که به صورت تئوری ها، رویکردها، دیدگاهها، سطح تحلیل و سنجش سرمایه اجتماعی تفکیک شد. این سطح تفکیک تقریبا یک اگاهی جامع در مورد مبانی سرمایه اجتماعی به خواننده ارائه می دهد.



چارچوب پژوهش: مبانی مفهومی سرمایه اجتماعی

٤-١ تئوری های سرمایه اجتماعی

برای مفهوم سازی سرمایه اجتماعی ازسه تئوری پیوندهای ضعیف، شکاف ساختاری و تئوری منابع اجتماعی استفاده شده است:

۱- تئوری پیوندهای ضعیف: اولین تئوری برای مفهوم سازی سرمایه اجتماعی تئوری پیوندهای ضعیف است. مطابق این تئوری هر چه شدت و استحکام روابط میان اعضای یک شبکه بیشتر باشد، ارزش سرمایه اجتماعی کمتر و بالعکس هر چه شدت و استحکام این روابط ضعیف تر باشد نشان دهنده سرمایه اجتماعی بیشتر است.

گرانووتور معتقد است که می توان سرمایه اجتماعی را از نظر شدت تکرار و شمولیت انواع مختلف روابط مورد سنجش قرار داد. شدت و استحکام روابط یک گروه اجتماعی در داخل گروه موجب تضعیف روابط اعضای آن گروه با بیرون میگردد. در واقع گرانووتر معتقد بود که روابط منسجم میان اعضای یک گروه منجر به روابط ضعیف با اعضای گروه های خارجی شده و سرمایه اجتماعی را کاهش می دهد و در مقابل پیوندهای ضعیف درون گروهی موجب ایجاد روابط با افراد و گروه‌های خارجی شده و به ایجاد سرمایه اجتماعی می انجامد(ناهاپیت و سومانترا،۱۹۹۸).

۲- تئوری شکاف ساختاری: این تئوری در سال ۱۹۹۲ توسط برت برای مفهوم سازی سرمایه اجتماعی به کار برده شد. تاکید تئوری شکاف ساختاری و رابطه میان« فرد »و «همکاران وی در شبکه» و همینطور روابط میان همکاران با همدیگر است منظور از شکاف در این تئوری فقدان ارتباط میان دو فرد در یک شبکه اجتماعی است، که فی نفسه مزیتی برای سازمان تلقی می شود. مطابق تئوری شکاف ساختاری ،اگر یک فرد در شبکه اجتماعی خود با همکارانی که با هم در ارتباط نیستند یا حداقل ارتباط اندکی با هم دارند ارتباط برقرار کند نهایت استفاده را خواهد برد (ناهاپیت و سومانترا،۱۹۹۸). تئوری شکاف ساختاری سرمایه اجتماعی را یک «شبکه ساختار گونه» تعریف می‌کند که متاثر از عوامل ذیل است (بوردیو،۱۹۸۳):

* اندازه شبکه : شبکه های وسیع و گسترده کمتر تحمیلی بوده و اجبار برای تبعیت از اعضا کمتر است.

* تراکم یا چگالی شبکه: شبکه هایی که در آن ارتباط و تعامل میان اعضا شدت بیشتری دارد، اجبار اعضا برای تبعیت زیاد است.

* سلسله مراتب شبکه: شبکه هایی که در آن روابط بر پایه یک ارتباط مسلط شکل می گیرد، حالت جبر و تحمیل بیشتری دارد. مطابق این تئوری برای سنجش میزان سرمایه اجتماعی باید به سه عامل فوق توجه نمود هر چه اندازه شبکه وسیع تر و تراکم و سلسله مراتب موجود در آن کمتر باشد میزان سرمایه رو به فزونی است.

۳- تئوری منابع اجتماعی: این تئوری که ریشه های آن لین و کاتور در سال ۱۹۸۱ می‌رسد پیوند های موجود در شبکه را بدون وجود منابع داخل آن کارآمد نمی داند. از دیدگاه این تئوری فقط منابع موجود در درون شبکه است که می تواند به عنوان یک سرمایه قلمداد شود. از دیدگاه این تئوری اعضای موجود در شبکه دارای منابع با ارزشی هستند که می تواند فرد را در رسیدن به اهداف یاری رساند(لین،۱۹۹۹).



شکل.۱ تئوری های سرمایه اجتماعی

تحلیل مقایسه‌ای این سه تئوری نشان می‌دهد که اگرچه هر سه بر نقش محوری شبکه‌های اجتماعی در ایجاد سرمایه اجتماعی تأکید دارند، اما از منظرهای مکمل و در عین حال متمایزی به این پدیده می‌نگرند. تئوری پیوندهای ضعیف گرانووتر بر تنوع دسترسی‌های اطلاعاتی از طریق ارتباطات سطحی اما گسترده تأکید می‌کند و نقش کانال‌های اطلاعاتی غیرتکراری را در موفقیت فردی برجسته می‌سازد. در مقابل، تئوری شکاف ساختاری برت بر موقعیت استراتژیک فرد در شبکه اجتماعی تمرکز دارد و استدلال می‌کند که افرادی که بتوانند شکاف‌های بین گروه‌های مجزا را پر کنند، از مزیت کنترل جریان اطلاعات و منابع برخوردار می‌شوند. این در حالی است که تئوری منابع اجتماعی لین با تأکید بر محتوای عینی منابع موجود در شبکه، بر کیفیت و ارزش منابعی که از طریق روابط اجتماعی قابل دسترسی هستند تمرکز می‌کند. از نظر سیر تکاملی، این تئوری‌ها نشان‌دهنده گذار از کمیت روابط به کیفیت موقعیت و در نهایت به ارزش منابع هستند.

٤-۲ رویکرد های سرمایه اجتماعی

هنگام بررسی بسیاری از تفاسیر مختلف از سرمایه اجتماعی، می توان تعدادی از موضوعات و تنش ها را شناسایی کرد که می تواند به تمایز بین چندین رویکرد کمک کند. این مناطق تنش عبارتند از:

- انواع مختلف شبکه هایی که به عنوان منابع مهم سرمایه اجتماعی در نظر گرفته می شوند (مانند خانواده، حلقه های دوستی و آشنایی، شبکه های حرفه ای و تجاری، انجمن های داوطلبانه و غیره) و انواع روابطی که بیشترین اهمیت را دارند (مانند پیوند/پل زدن/ پیوند، پیوندهای قوی در مقابل ضعیف، و غیره)
- اهمیت نسبی مؤلفه‌های ساختاری/رفتاری سرمایه اجتماعی (یعنی شبکه‌های اجتماعی و فعالیت‌ها و رفتارهای مؤثر در ایجاد و نگهداری آنها) و مؤلفه‌های نامشهود (یعنی هنجارها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و باورها).
- مقیاس/اندازه شبکه ای که در آن سرمایه اجتماعی می تواند وجود داشته باشد، به عنوان مثال؛ سطح خرد (خانواده، مدرسه، سازمان‌ها، شبکه‌های بین‌فردی)، سطح میانی (جوامع، محله‌ها، خوشه‌های تجاری)، سطح کلان (مناطق، کشورها)، یا موجود در سطوح مختلف.

ریشه‌های این دیدگاه‌های رقیب را می‌توان در مشارکت‌های کلیدی پیر بوردیو، رابرت پاتنام، و جیمز کلمن، و نتایج متفاوتی که این نویسندگان به دست آوردند، جستجو کرد. کار این سه نویسنده اغلب با هم ارائه می شود تا نشان دهد که چگونه تحقیقات معاصر در مورد سرمایه اجتماعی میراث ساده و خطی ندارد، بلکه از جریان های فکری متعدد و گاه متناقض تکامل یافته است (کلمن،۱۹۸۸). سه رویکرد غالب برای مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی توسط جیمز کلمن، پیر بوردیو و رابرت پاتنام ارائه شده‌اند.

۱- رویکردپاتنام (سرمایه اجتماعی به عنوان شبکه های مشارکت مدنی و هنجارهای تعامل متقابل): سرمایه اجتماعی برای پاتنام شامل شبکه های اجتماعی و اعتماد و هنجارهای متقابلی است که از آنها الهام می گیرد. اگرچه او این واقعیت را تصدیق می‌کند که انجمن‌های غیررسمی مانند دوستی، سرمایه اجتماعی را می‌سازند، اما به نظر می‌رسد که بیشتر مایل است به نوعی از سرمایه اجتماعی که به عقیده او عضویت فعال و درگیر در سازمان‌های مدنی محصور شده است، ارزش قائل شود. مشخصه سرمایه اجتماعی که او در مورد آن صحبت می کند به جای فعالیت های یکباره، منظم است؛ تماس چهره به چهره به جای تماس از راه دور یا با واسطه فناوری ارتباطات؛ و مشارکت فعال به جای اشکال مشارکت نیابتی است. به گفته پاتنام، این شکل از سرمایه اجتماعی است که در حال افول است، و منجر به وضعیتی می شود که "بیشتر ارتباط اجتماعی ما یک شات(شلیک)، هدف خاص و خود محور است... سرمایه اجتماعی مبتنی بر مکان جایگزین

سرمایه اجتماعی مبتنی بر کارکرد می شود."(سازمان همکاری و توسعه اقتصادی،۲۰۰۲). پانتام سرمایه اجتماعی را چیزی می داند که زمانی ایجاد می شود که افراد به طور منظم با یکدیگر درگیر فعالیت می شوند. سرمایه اجتماعی به شبکه های ارتباط اجتماعی– انجام دادن با آن اشاره دارد. او دو شکل متمایز از سرمایه اجتماعی را معرفی می کند: سرمایه اجتماعی پیوندی و پل زدنی.

۲- رویکرد کلمن (سرمایه اجتماعی به عنوان « کنش عقلانی»): جیمز کلمن (۱۹۲۶-۱۹۹۵) جامعه‌شناس آمریکایی بود که اصطلاح سرمایه اجتماعی را ابداع کرد. او بیشتر علاقه مند به بررسی این است که چگونه انتخاب های رفتاری افراد ممکن است تحت تأثیر ویژگی های ساختاری شبکه های اجتماعی باشد. کلمن استدلال می کند که تبیین های جامعه شناختی و اقتصادی کنش اجتماعی ناکافی است و راه سومی را پیشنهاد می کند.رویکرد او پیشنهاد می‌کند که «اصل کنش عقلانی اقتصاددانان را برای استفاده در تحلیل سیستم‌های اجتماعی مناسب» وارد کنیم و افراد را به‌عنوان بازیگرانی ببینیم که بر منابع کنترل و علاقه دارند، که سرمایه اجتماعی یکی از آنهاست(برت،۱۹۹۷). سرمایه اجتماعی در تعریف کلمن "در ساختار روابط بین بازیگران و در میان بازیگران وجود دارد ... نه در خود بازیگران یا در ابزارهای فیزیکی تولید".کلمن همچنین بر این واقعیت تأکید دارد که سرمایه اجتماعی دارای جنبه عمومی(کالای عمومی) است که در آن اعمال افراد به نفع کل است. برای کلمن، افراد در تعاملات اجتماعی، روابط و شبکه‌ها تا زمانی که مزایا پابرجا هستند، درگیر می‌شوند. این منطق از تئوری انتخاب عقلانی نشات می گیرد که به دنبال تبیین رفتار انسان از طریق عقلانیت است. این کنش‌های عقلانی در یک زمینه اجتماعی خاص تنظیم می‌شوند که نه تنها اعمال افراد، بلکه توسعه سازمان اجتماعی را نیز در بر می گیرد.

۳- رویکرد بوردیو (پیر بوردیو: سرمایه اجتماعی به عنوان دسترسی فرد به شبکه ها) : بوردیو سرمایه اجتماعی را به عنوان «منابعی که مبتنی بر عضویت در یک گروه است» تعریف می کند(بوردیو،۱۹۸۶). میزان سرمایه اجتماعی یک فرد نه تنها به اندازه شبکه این شخص، بلکه به میزان دسترسی اعضای شبکه به اشکال سرمایه نیز بستگی دارد. بنابراین، سرمایه اجتماعی آن گونه که بوردیو تصور می کند پادزهری در برابر اولویت اصول اقتصادی در تعامل انسانی نیست، بلکه گسترش این اصول به اشکال غیر پولی تعامل و مبادله است. تاکید بوردیو بسیار بر استفاده از شبکه های اجتماعی برای حذف افراد غیرعضو و جلوگیری از تحرک اجتماعی بود. بوردیو عادت برای توسعه سرمایه اجتماعی نیز مهم است. عادت به هر کاری که افراد و گروه ها انجام می دهند تعیین می کند، بوردیو با استفاده از مثالی از سبک‌های زندگی توضیح می‌دهد که چگونه سرمایه و قدرت اقتصادی به سرمایه نمادین تبدیل می‌شوند: «بنابراین سبک‌های زندگی محصولات سیستماتیک عادت هستند. دیالکتیک شرایط و عادت اساس کیمیاگری است که توزیع سرمایه، ترازنامه یک رابطه قدرت را به سیستمی از تفاوت های درک شده، ویژگی های متمایز، یعنی توزیع سرمایه نمادین تبدیل می کند. سرمایه نمادین احتمالاً بر روابط فرد با افراد دیگر تأثیر می گذارد و از این رو بر سرمایه اجتماعی تأثیر می گذارد.

جدول.۳ نقاط قوت و ضعف و میراث سه رویکرد (منبع: خود ساخته برگرفته از محتوای مارتیککه،۲۰۱۷ ؛ گلیزر و همکاران،۲۰۰۰ ؛ ناهاپیت و گوشال،۱۹۹۸)

	نقاط قوت	نقاط ضعف	میراث
پاتنام	کاربرد مستقیم به بخش داوطلبانه و تمرکز بر جوامع محلی با تعریف سرمایه اجتماعی که به مشارکت مدنی امتیاز می دهد. * ترکیب ساختار و عاملیت * روشن می کند که چگونه انتخاب های فردی منطقی با ویژگی های ساختاری شبکه های اجتماعی آنها (= مکانیسم ها؟) تعیین می شود. * مفهوم سازمان اجتماعی مناسب ممکن است برای مطالعه بخش داوطلبانه مفید باشد. * تعریف عمومی سرمایه اجتماعی انعطاف پذیرتر است. * سرمایه اجتماعی به عنوان یک فرآیند	* تکیه بر آمار؛ توجهی به چگونگی شکل گیری سرمایه اجتماعی و ماهیت ظریف مشارکت مدنی (یعنی تعریف عضویت و سازمان‌ها) نیست. * ملاحظات ناکافی عوامل ساختاری، به عنوان مثال. طبقه، قومیت، جنسیت * سرمایه اجتماعی به عنوان یک "چیز"(شی،دارایی)	پاتنام بر سرمایه اجتماعی به عنوان چیزی که در سطوح کلان و میانی جامعه عمل می کند تمرکز کرد. مفهوم پاتنام از سرمایه اجتماعی تأکید کرد که این سرمایه اجتماعی یک کالای عمومی است و آن را در قالب شبکه‌های مشارکت مدنی، اعتماد و هنجارهای متقابل تعریف کرد. در سال‌های اخیر، پاتنم یک تعریف از سرمایه اجتماعی، یعنی «شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای مرتبط با متقابل» را اتخاذ کرد (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی،۲۰۰۲).
کلمن	* ترکیب ساختار و عاملیت * روشن می کند که چگونه انتخاب های فردی منطقی با ویژگی های ساختاری شبکه های اجتماعی آنها (= مکانیسم ها؟) تعیین می شود. * مفهوم سازمان اجتماعی مناسب ممکن است برای مطالعه بخش داوطلبانه مفید باشد. * تعریف عمومی سرمایه اجتماعی انعطاف پذیرتر است. * سرمایه اجتماعی به عنوان یک فرآیند .	سرمایه اجتماعی به عنوان محصول فرعی کنش عقلانی مبتنی بر خودگرایی. نوع دوستی در این کجاست؟ آیا یک تفسیر اساساً اقتصادی برای مطالعه بخش داوطلبانه مناسب است؟	کلمن مفهوم سرمایه اجتماعی را به طیف وسیع تری از کاربردها باز کرد، با این استدلال که سرمایه اجتماعی «با عملکردش تعریف می شود»او هم به شبکه‌های سطح خرد و هم به شبکه‌های میان سطح نگاه کرد و هم نقش تعاملات درون خانواده‌ها را بر روی پیامدهای فردی و هم نقش روابط اجتماعی، هنجارها و تحریم‌ها را بر نتایج گروهی بررسی کرد. بنابراین کلمن هم جنبه عمومی و هم جنبه خصوصی خوب سرمایه اجتماعی را تشخیص داد. با این حال، او همچنین خاطرنشان کرد که وقتی شبکه‌ها هنجارهای مضر را منتشر می کنند (برت،۱۹۹۷).
بوردیو	* ارتباط بین سرمایه اجتماعی و سایر اشکال سرمایه/ساختار طبقاتی جامعه را برجسته می کند. * تمرکز بر سرمایه گذاری در طول زمان که افراد در شبکه های اجتماعی انجام می دهند تا بعداً از مزایای آن بهره مند شوند (تبدیل روابط طبیعی به روابط ضروری).	تمرکز بیش از حد بر سود فردی از سرمایه اجتماعی، به جای اینکه آن را به عنوان چیزی که در خود رابطه ذاتی است ببیند.	رویکرد بوردیو به سرمایه اجتماعی بر شبکه ها و به طور خاص بر بازده عضویت در شبکه از نظر دسترسی به منابع و فرصت ها متمرکز است. به این ترتیب، او بر جنبه‌های انحصاری و خصوصی خوب دسترسی به منابع تجسم یافته در شبکه‌های شخصی تمرکز کرد. رویکرد او بر طیف وسیعی از تحقیقات در مورد پیوندهای بین شبکه های سطح خرد و نتایج مثبت فردی، به ویژه در زمینه پیشرفت حرفه ای و وضعیت بازار کار تأثیر گذاشته است (بوردیو،۱۹۸۳)

٤-۳ دیدگاههای سرمایه اجتماعی

دو طبقه بندی اصلی برای سرمایه اجتماعی وجود دارد:

الف) دیدگاه ساختار اجتماعی : اگرچه می‌توان بین انواع مختلف سرمایه اجتماعی بر اساس منبع تمایز قائل شد، اما اشکال شناختی و ساختاری سرمایه اجتماعی معمولاً به هم مرتبط بوده و متقابلاً تقویت‌کننده هستند.

مطالعات قبلی نشان داده‌اند که سه بعد سرمایه اجتماعی و جنبه‌های مختلف آن‌ها بسیار به هم مرتبط هستند. بعد ساختاری مقدمه ای برای هر دو بعد شناختی و رابطه ای است، زیرا روابط و ساختارهای اجتماعی برای تبادل اجتماعی ضروری هستند. پیوندهای شبکه ای تعامل اجتماعی را تسهیل می کند که به نوبه خود توسعه ابعاد شناختی و رابطه ای سرمایه اجتماعی را تحریک می کند. بنابراین پیش شرط توسعه و حفظ ابعاد رابطه ای و شناختی سرمایه اجتماعی، تعامل اجتماعی پایدار است(فوکویاما،۲۰۰۰). ابعاد شناختی و رابطه‌ای با ایجاد تمایل به تعامل و شکل‌گیری روابط، نقش‌ها، قوانین و رویه‌های جدید، توسعه سرمایه اجتماعی ساختاری را تقویت و تشویق کنند. بنابراین، احتمالاً علیت دو طرفه ای وجود دارد که منجر به یک چرخه تقویت کننده متقابل می شود. از نظر رابطه بین ابعاد شناختی و رابطه ای، برخی از نویسندگان دریافته اند که بعد شناختی مقدمه بعد رابطه ای سرمایه اجتماعی است. بعید به نظر می رسد که یک بعد از سرمایه اجتماعی بدون حضور سایر اشکال نیز وجود داشته باشد، طبیعت به هم پیوسته این ابعاد نیز چنین است. این امر از مشاهدات(ناهاپیت و گوشال،۱۹۹۸). حمایت می کند که سرمایه اجتماعی شامل روابط متقابل پیچیده بین این سه بعد است.

بعد ساختاری سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی ساختاری بُعدی از سرمایه اجتماعی است که با ویژگی های نظام اجتماعی و شبکه روابط در کل ارتباط دارد سرمایه اجتماعی ساختاری عینی و قابل مشاهده خارجی، اقدامات جمعی سودمند متقابل را از طریق نقش‌های تثبیت‌شده و شبکه‌های اجتماعی بادوام که با قوانین، رویه‌ها و سوابق تکمیل می‌شوند، تسهیل می‌کند(ناهاپیت و گوشال،۱۹۹۸). جنبه های مهم سرمایه اجتماعی ساختاری تعداد پیوندهایی است که یک فرد دارد، با چه کسی و چقدر قوی است.

بعد رابطه ای سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی رابطه‌ای بعد از سرمایه اجتماعی است که به ویژگی‌ها و کیفیت‌های روابط شخصی مربوط می‌شود. بعد شناختی سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی شناختی بعد از سرمایه اجتماعی است که به منابعی مربوط می شود که بازنمایی ها، تفاسیر و سیستم های معنایی مشترک را بین احزاب ارائه می کنند(ناهاپیت و گوشال،۱۹۹۸). نویسندگان دیگر نیز آن را از طریق اهداف یا چشم انداز مشترک و فرهنگ مشترک توصیف کرده اند .

بعد شناختی سرمایه اجتماعی نامشهود است زیرا به تفاسیر یک واقعیت مشترک مربوط می‌شود. سرمایه اجتماعی ذهنی و ناملموس شناختی، افراد را به سمت کنش جمعی سودمند متقابل از طریق ارزش ها و نگرش های مشترک مستعد می کند.

جدول ٤ . سه بعد سرمایه اجتماعی از دیدگاه گوشال و ناهاپیت ،۱۹۹۸

رابطه ای	شناختی	ساختاری
ماهیت و کیفیت روابط	بازنمایی و ارائه تفسیر مشترک	خصوصیات سیستم اجتماعی و شبکه روابط
• اعتماد • هنجارها و الزام ها • تعهدات و انتظارات • هویت و شناسایی	• زبان، کدها و روایات مشترک • ارزش ها، نگرش ها و باورهای مشترک	• پیوندها ی مشترک • وضعیت شبکه • سازمان مناسب • نقش ها، قوانین، سوابق و رویه ها

ب) دیدگاه شبکه : از دیدگاه شبکه، سرمایه اجتماعی را می توان به عنوان (پیوند ، پل زدن ،متصلی)، (پیوندهای قوی ضعیف) ، (شبکه های افقی و عمودی) طبقه بندی کرد.

- پیوند، پل زدن و پیوند دهی (متصلی)سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی پیوندی نشان دهنده روابط بین افرادی است که با یکدیگر بسیار نزدیک و شناخته شده هستند، مانند خانواده نزدیک، دوستان نزدیک و همسایگان. اغلب افراد در شبکه های پیوندی از نظر ویژگی های شخصی کلیدی (مانند طبقه، نژاد، قومیت، تحصیلات، سن، مذهب، جنسیت، و وابستگی سیاسی) یکسان هستند. بیشتر به درون نگاه می کند، محافظت می کند، و عضویت نزدیک را اعمال می کند، و بنابراین برای زیر کمربند کردن روابط متقابل خاص و بسیج همبستگی غیررسمی خوب است(پاتنام،۲۰۰۱). پیوند باعث ارتقای ارتباطات و روابط لازم برای پیگیری اهداف مشترک می شود. سرمایه اجتماعی پل زدنی به پیوندهای دورتر افراد مشابه، مانند دوستی های سست و همکار اشاره دارد. اغلب افراد در شبکه های پل ارتباطی بر اساس ویژگی های شخصی کلیدی متفاوت هستند. پل زدن بیشتر به بیرون نگاه می کند، به لحاظ مدنی درگیر است، شکاف بین جوامع مختلف و اعمال عضویت آزاد را کاهش می دهد، و بنابراین، برای سازماندهی همبستگی و پیگیری اهداف مشترک بسیار مهم است(پاتنام،۲۰۰۱). پل زدن برای حل مشکلات جامعه از طریق کمک به مردم برای شناخت یکدیگر، ایجاد روابط، به اشتراک گذاری اطلاعات و بسیج منابع جامعه بسیار مهم است. سرمایه اجتماعی متصلی به پیوندها و شبکه های بین افراد و گروه هایی اشاره دارد که موقعیت ها و قدرت های اجتماعی بسیار متفاوتی را اشغال می کنند. به افرادی که در موقعیت‌های غیرمشابه هستند، مانند افرادی که کاملاً خارج از جامعه هستند، می‌رسد. پیوند سرمایه اجتماعی ممکن است شامل شبکه ها و پیوندهای یک جامعه خاص با ایالت ها یا آژانس های دیگر باشد. این اشکال مختلف سرمایه اجتماعی می توانند کارکردهای متفاوتی داشته باشند(ادلر و کوون،۲۰۰۲).

- پیوندهای قوی و ضعیف: سرمایه اجتماعی را بر اساس استحکام پیوندهای اجتماعی متمایز می کند. پیوندهای قوی به روابط نزدیک، پایدار و الزام آور اشاره دارد، مانند روابطی که با خانواده ها و گروه دوستان نزدیک وجود دارد. از سوی دیگر، پیوندهای ضعیف به روابط علّی، موقت و اقتضایی بیشتر اشاره دارد، مانند روابطی که با افراد با پیشینه‌های مختلف و دوستانی از طاقچه‌های مختلف اجتماعی وجود دارد. پیوندهای قوی باعث ایجاد همبستگی و حمایت شخصی می شود، در حالی که پیوندهای ضعیف بیشتر برای حمایت اطلاعاتی استفاده می شود. پیوندهای ضعیف مردم را به جوامع گسترده تر و به طیف وسیع تری از منابع بالقوه پیوند می دهد(گرانووتر،۱۹۸۵ ؛ کلاریج،۲۰۱۹).

- شبکه های افقی و عمودی: سرمایه اجتماعی نیز بین شبکه های افقی و عمودی متمایز می شود (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی،۲۰۱۳). سرمایه اجتماعی افقی به پیوندهای جانبی بین افراد دارای موقعیت و قدرت مشابه در یک جامعه،

سرمایه اجتماعی عمودی از سوی دیگر به پیوندهای بین افراد با سلسله مراتب مختلف و قدرت نابرابر در بین مردم اشاره دارد. در حالی که سرمایه اجتماعی افقی از طریق هنجارها و ارزش های مشترک عمل می کند، سرمایه اجتماعی عمودی از طریق ساختارهای سلسله مراتبی رسمی عمل می کند. سرمایه اجتماعی افقی مانند پیوند و پل زدن، گروه های متنوعی از مردم را در بر می گیرد و از طریق مشارکت مدنی در خدمت ایجاد ارتباط و هدف مشترک بین اعضای جامعه است. سرمایه اجتماعی عمودی مانند پیوند، پیوند شهروندان را با رهبران جامعه و تصمیم گیرندگان برقرار می کند و محیطی را برای تغییرات اجتماعی از طریق قوانین و سیاست ها ایجاد می کند.

٤-٤ سطح تحلیل برای سرمایه اجتماعی

از دیدگاه سطوح تحلیل، ادبیات موجود در زمینه سرمایه اجتماعی را می توان به سه گروه طبقه بندی کرد: الف) سطوح فردی و جمعی ب)کالای عمومی و خصوصی ج) سطوح خرد، میانی و کلان.

الف) سطوح فردی و جمعی: دیدگاه های متفاوتی در مورد اینکه آیا سرمایه اجتماعی ویژگی یک فرد (دارایی فردی) است یا ویژگی یک جامعه (دارایی جمعی) وجود دارد. سرمایه اجتماعی هم دارای یک جزء فردی و هم یک جزء کل است. سرمایه اجتماعی فردی به پتانسیل فرد برای فعال کردن و بسیج موثر شبکه ای از ارتباطات اجتماعی بر اساس شناخت متقابل و حفظ شده توسط مبادلات نمادین و مادی اشاره دارد (آنهایر، اچ و کندال،۲۰۰۲). فرض اساسی پشت سرمایه سطح فردی این است که فردی است که سرمایه اجتماعی را ایجاد می کند، حفظ می کند و متعاقباً از آن سود می برد (گلیزر و همکاران،۲۰۰۰). سه بعد سرمایه اجتماعی فردی را شناسایی می کند: (۱) یک دارایی فردی است. (۲) برخی از جنبه‌های این دارایی ذاتی یک فرد است و برخی از آن‌ها را می‌توان با اقدامات فردی افزایش داد. و (۳) می توان آن را به طور هدفمند برای افزایش موقعیت بازاری و غیر بازاری خود استفاده کرد. میزان دسترسی فرد به منابع از طریق سرمایه اجتماعی به ارتباطات فرد، قدرت این ارتباطات و منابع موجود برای این ارتباطات بستگی دارد (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی،۲۰۰۱). سرمایه اجتماعی به عنوان ویژگی یک جامعه به کیفیتی از شبکه ها و روابطی اشاره دارد که افراد را قادر به همکاری و عمل جمعی می کند. سرمایه جمعی نشان دهنده مقداری از منابع ارزشمند اعضایی است که در شبکه ها تعامل دارند. در سطح جمعی، سرمایه اجتماعی اغلب با هنجارها، اعتماد و انسجام اجتماعی نشان داده می شود. این کیفیت شبکه ها و روابط (اعتماد، هنجارها، حاکمیت قانون و غیره) است که همکاری و کنش جمعی افراد را تقویت می کند.

جدول ٥ . چند نمونه از نویسندگانی که سرمایه اجتماعی را به عنوان دارایی فردی یا جمعی مطرح می کنند.

دارایی جمعی	دارایی فردی
فوکویاما۱۹۹۵؛ گرانووتر ۱۹۸۵؛ هنریش و همکاران ۲۰۰۱؛ نیوتن ۲۰۰۱؛ پاتنام ۱۹۹۵ .	بکر ۱۹۹۶؛ بوردیو ۱۹۸۶؛ اریکسون ۲۰۰۴؛ فلپ ۲۰۰۲؛ گلیزر، لیبسون و ساسردوت ۲۰۰۲؛ یانگ ۲۰۰۷ .

ب) کالای عمومی، کالای خصوصی یا هر دو: سرمایه اجتماعی دارای ویژگی های یک کالای خصوصی است زیرا یک فرد می تواند در سرمایه اجتماعی خود سرمایه گذاری کند، درجاتی از مالکیت و کنترل دارد و می تواند به عنوان مالکیت خصوصی انحصاری از منافع بهره مند شود(آلگوزاوی و رافائل ،۲۰۱۰). با این حال، این یک کالای عمومی است، زیرا بسیاری از جنبه‌های سرمایه اجتماعی خارج از کنترل افراد است و بر گروه‌های بزرگ‌تری از مردم تأثیر می‌گذارد و به نفع آن است، نه فقط کسانی که آن را ایجاد کرده‌اند. هم چنین دستیابی به سطوح بالاتر کارایی و

بهره وری را تسهیل می کند (مک و دیلی ،۲۰۱۰). برخی از نویسندگان سرمایه اجتماعی فردی و جمعی را بر حسب منفعت خصوصی و عمومی مفهوم سازی می کنند.

جدول.٦ چند نمونه از نویسندگانی که سرمایه اجتماعی را به عنوان یک کالای خصوصی، کالای عمومی یا هر دو مطرح می کنند.

هر دو	کالای عمومی	کالای خصوصی
کوستوا و راث ۲۰۰۳؛ نیوتن ۱۹۹۷؛ اونیکس و بولن ۲۰۰۱؛ پاتنام ۲۰۰۰؛ اسلانگن و همکاران ۲۰۰۳ .	اندروز ۲۰۱۰؛ بوردیو ۱۹۸۶؛ کلمن ۱۹۸۸؛ هوتون، اسمیت و هود ۲۰۰۹؛ لیانا و پیل ۲۰۰۶؛ سوبرامانیان و همکاران ۲۰۰۳؛ یاسونوبو و بانداری ۲۰۰۹ .	آلگوزاوی و فیلیری۲۰۱۰؛ داسگوپتا ۱۹۹۹؛ فوکویاما ۲۰۰۱، ۲۰۰۲

ج): سطح میکرو ، میانی و کلان: سرمایه اجتماعی، در سطح خرد، به روابط بین افراد، خانوارها و محله ها می پردازد. در سطح میانی، بر جوامع، گروه‌ها، نهادها و سازمان‌ها تمرکز دارد. و در سطح کلان، بر اشکال محیط نهادی و سیاسی در ملت ها یا دولت ها تمرکز دارد (آنهایر، اچ و کندال،۲۰۰۳). به این معنی که سطح خرد به روابط بین افراد، سطح میانی به روابط بین گروه ها یا شرکت ها و سطح کلان به روابط بین مناطق یا ملت ها اشاره دارد. در حالی که سطح خرد به سرمایه اجتماعی به عنوان یک دارایی فردی و سطح کلان به سرمایه اجتماعی به عنوان یک دارایی جمعی می نگرد. سطوح میانی به سرمایه اجتماعی به عنوان دارایی فردی و همچنین دارایی جمعی نگاه می کند.در کل رویکرد خرد بر ماهیت و اشکال رفتار مشارکتی تأکید دارد. رویکرد کلان بر شرایط (مطلوب یا نامطلوب) برای همکاری متمرکز است. و میان رویکرد ساختارهایی را برجسته می کند که امکان همکاری را فراهم می کند.

جدول ۷ . مروری کلی بر سطوح تحلیل سرمایه اجتماعی

سطح	تمرکز	مفهوم سازی	تمرکز بر بعد
خرد	بر افراد و روابط بین افراد	دارایی افراد کالای خصوصی	تمایز بین پیوند، پل زدن و پیوند سرمایه اجتماعی
میانی	گروه یا سازمان	دارایی فردی و جمعی کالای خصوصی و عمومی	تمایز بین سرمایه اجتماعی ساختاری، شناختی و رابطه ای
کلان	جامعه یا اجتماع	دارایی جمعی کالای عمومی	اعتماد، هنجارهای مدنی، عضویت در انجمن و فعالیت های داوطلبانه

٤-٥ سنجش سرمایه اجتماعی

مدلها و ابزار مختلفی برای سنجش سرمایه اجتماعی ارائه شده است که در این پژوهش سه نوع از مهمترین انها ارائه می شود.

الف) چهار تفسیر از سرمایه اجتماعی (دستور کار برای اندازه گیری): سازمان همکاری و توسعه اقتصادی اخیراً چارچوبی را اتخاذ کرده است که تمام ابعاد مرتبط سرمایه اجتماعی را پوشش می دهد (اداره امار سازمان همکاری و توسعه اقتصادی،۲۰۱۳).

جدول ۸. چهار تفسیر از سرمایه اجتماعی

منابع تولیدی	ساختار و فعالیت های شبکه	
پشتیبانی شبکه های اجتماعی	ارتباطات شخصی	شخصی(فردی)
هنجارهای اعتماد و تعاون	مشارکت مدنی	جمعی(اجتماعی)

روابط شخصی به شبکه های افراد (یعنی افرادی که می شناسند) و رفتارهای اجتماعی که به ایجاد و حفظ آن شبکه ها کمک می کنداشاره دارد. پشتیبانی شبکه های اجتماعی نتیجه مستقیم ماهیت روابط شخصی افراد است و به منابعی – عاطفی، مادی، عملی، مالی، فکری یا حرفه ای – اشاره دارد که از طریق شبکه های اجتماعی شخصی در دسترس هر فرد است. مشارکت مدنی شامل فعالیت‌هایی است که از طریق آن افراد به زندگی مدنی و اجتماعی کمک می‌کنند. مشارکت مدنی بر ماهیت و میزان فعالیت های جمعی متمرکز است. هنجارهای اعتماد و تعاون به اعتماد، هنجارهای اجتماعی و ارزش‌های مشترکی اشاره دارد که زیربنای عملکرد اجتماعی است و همکاری متقابل سودمند را ممکن می‌سازد.

ب) بانک جهانی ابزارهای تجربی برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی پیشنهاد می کند . یکی از ابزار ها پرسشنامه یکپارچه برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی (SC-IQ) - با تمرکز بر برنامه‌های کاربردی در کشورهای درحال توسعه است. هدف این ابزار تولید داده های کمی در مورد ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی به عنوان بخشی از یک نظرسنجی بزرگتر خانوار است. به طور خاص، شش بعد در نظر گرفته شده است: گروه ها و شبکه ها؛ اعتماد و همبستگی؛ اقدام و همکاری جمعی؛ اطلاعات و ارتباطات؛ انسجام و شمول اجتماعی؛ توانمندسازی و اقدام سیاسی.

۱) گروه ها و شبکه ها :این مقوله ای است که بیشتر با سرمایه اجتماعی مرتبط است. پرسش‌ها در اینجا ماهیت و میزان مشارکت اعضای خانواده در انواع مختلف سازمان‌های اجتماعی و شبکه‌های غیررسمی، و دامنه کمک‌هایی را که فرد از آنها می کند و دریافت می کند، در نظر می گیرد.

۲) اعتماد و همبستگی: این دسته به دنبال کسب اطلاعاتی در مورد اعتماد به همسایگان، ارائه‌دهندگان خدمات کلیدی و غریبه‌ها و چگونگی تغییر این برداشت‌ها در طول زمان است.

۳) اقدام و همکاری جمعی: این دسته بررسی می کند که آیا و چگونه اعضای خانواده با دیگران در جامعه خود در پروژه های مشترک و/یا در پاسخ به یک بحران کار کرده اند. همچنین پیامدهای نقض انتظارات جامعه در مورد مشارکت را در نظر می گیرد.

۴) اطلاعات و ارتباطات: این دسته از سؤالات راه‌ها و ابزارهایی را بررسی می‌کنند که خانواده‌های فقیر از طریق آنها اطلاعاتی در مورد شرایط بازار و خدمات عمومی و میزان دسترسی آنها به زیرساخت‌های ارتباطی دریافت می‌کنند.

۵) انسجام اجتماعی و شمول: پرسش‌های این دسته به دنبال شناسایی ماهیت و میزان این تفاوت‌ها، مکانیسم‌های مدیریت آن‌ها و گروه‌هایی هستند که از خدمات عمومی کلیدی حذف می‌شوند. سوالات مربوط به اشکال روزمره تعامل اجتماعی نیز در نظر گرفته می شود.

۶) توانمندسازی و اقدام سیاسی: سؤالات این بخش احساس شادی، کارآمدی شخصی و ظرفیت اعضای خانواده برای تأثیرگذاری بر رویدادهای محلی و نتایج سیاسی گسترده تر را بررسی می کند.

ج) اقدامات / شاخص های فوکویاما: فوکویاما فرمول پایه پاتنام (یعنی تعداد گروه ها به همراه اندازه گروه) را در نظر گرفت و چند ضریب کیفی را به عنوان معیار انسجام در گروه اضافه کرد زیرا هر گروه باید با سطوح مختلف انسجام درونی و همچنین اندازه گیری شعاع اعتماد مشخص شود(فوکویاما،۱۹۹۹)شعاع اعتماد ممکن است بخشی از گروه را محدود کند، به طور مساوی در گروه پخش شود و فراتر از گروه به جامعه بزرگتر سرایت کند. علاوه بر این، از آنجایی که وابستگی گروه به گروه های دیگر یا بقیه جامعه مهم است، شعاع بی اعتمادی در یک گروه نسبت به سایر گروه های یک جامعه به عنوان یک معیار کیفی در نظر گرفته می شود (همان). با این اضافات، فوکویاما فرمول زیر را به عنوان معیار سرمایه اجتماعی تشکیل داد.

$$SC = \Sigma^{t}_{1} \{(1/rn) . (rp . c . n)\}t$$

SC - سرمایه اجتماعی; rp – ضریب شعاع اعتماد یک گروه؛c – ضریب انسجام گروهی؛nt - اندازه گروه t؛ rn – شعاع بی اعتمادی بین اعضای گروه نسبت به سایر گروه های یک جامعه.

فوکویاما خاطرنشان کرد که انسجام درونی که اغلب مبتنی بر هنجارها و ارزش‌های شدیداً مشترک در یک گروه است، گاهی ممکن است بی‌اعتمادی نسبت به گروه‌های دیگر ایجاد کند. از این رو، c و rn ممکن است همبستگی مثبت داشته باشند. در این رابطه، در حالت ایده آل، باید c را به حداکثر رساند و مقادیر rn را به حداقل رساند(اریکسون ،۲۰۰۴). از آنجایی که نیاز به اطلاعات سرشماری گروه‌ها که بسیار مشکل تلقی می‌شود،ممکن است اطلاعات مبتنی بر نظرسنجی ها با مجموعه ای از سؤالات مربوط به اعتماد به نهادهای مختلف سیاسی و اجتماعی و همچنین سؤالات دیگری که سطح مشارکت پاسخ دهندگان در سازمان های داوطلبانه را بررسی می کند مفید باشد.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

سرمایه اجتماعی در یکی از ویژگی های اولیه زندگی اجتماعی انسان ها یعنی تعاملات اجتماعی، روابط، پیوندها و/یا ارتباطات دیده می شود (ادلر و کوون،۲۰۰۲). مشاهده می شود که چسبی که جامعه را با احساس تعلق و هنجارهای مشترک در کنار هم نگه می دارد برای یک نظم اجتماعی کارآمد ضروری است (لین،۱۹۹۹). آن چسب روابط اجتماعی است که شامل عناصر حیاتی خاصی مانند اعتماد، تعامل، هنجارهای مشترک و همکاری است. به این ترتیب، سرمایه اجتماعی برای کسانی که به دنبال آن هستند، مزیت ایجاد می کند. ، بیشتر تعاریف بر نقش روابط اجتماعی در ایجاد منافع برای فرد و جامعه به عنوان یک کل تأکید دارند. سرمایه اجتماعی مانند دیگر شکل های سرمایه ،مولد و زاینده است.بنابراین سرمایه اجتماعی هنگامی ایجاد می شود که روابط میان افراد به شیوه ای دگرگون شود که کنش میان انها تسهیل و اعتماد جمعی به وجود اید. ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی یکی از چالش های جامعه و سازمان های امروزی است.هرچند که سرمایه اجتماعی ویژگی جمع دارد ولی از تلاش های فردی افراد در جهت ایجاد اعتماد،روابط و همکاری ناشی می شود سرمایه اجتماعی به عنوان اهرم عمل می کند و سایر سرمایه ها را تحت تاثیر قرار می دهد.

سرمایه اجتماعی به طور کلی به عنوان یک پدیده چند بعدی تعریف می شود که مجموعه ای از هنجارهای اجتماعی، ارزش ها، باورها، اعتمادها، تعهدات، روابط، شبکه ها، دوستان، عضویت ها، مشارکت مدنی، جریان اطلاعات و نهادهایی را در بر می گیرد که همکاری و اقدامات جمعی را برای منافع متقابل تقویت می کنند.

در این پژوهش به طور کلی سعی کردیم اهمیت سرمایه اجتماعی و مولفه ها و مدل های آن را از ابعاد مختلف تشریح کنیم. بحث در مورد اینکه سرمایه اجتماعی از کجا می آید باید برای سیاست گذارانی که می خواهند موجودی سرمایه اجتماعی را در یک کشور افزایش دهند آموزنده باشد. دولت‌ها هم می‌توانند کارهای مثبتی برای ایجاد سرمایه اجتماعی انجام دهند و هم می‌توانند از انجام کارهای دیگری که ذخایر یک جامعه را تحلیل می‌برند، جلوگیری کنند.

در این پژوهش تئوری پیوندهای ضعیف،شکاف ساختاری و منابع اجتماعی بعنوان تئوری های سرمایه اجتماعی؛ رویکردهای پاتنام،بوردیو بعنوان مهمترین رویکردها به سرمایه اجتماعی؛ دیدگاه ساختار اجتماعی و دیدگاه شبکه بعنوان دیدگاه ها؛ سطح فردی و اجتماعی، کالای عمومی،خصوصی یا هر دو و سطح کلان، میانی، میکرو برای سطح تحلیل سرمایه اجتماعی ارائه شدند. همچنین چهار تفسیر از سرمایه اجتماعی (دستور کار برای اندازه گیری) سازمان همکاری و توسعه اقتصادی؛ پرسشنامه بانک جهانی؛ اقدامات / شاخص های فوکویاما مدلها و ابزارها برای سنجش سرمایه اجتماعی ارائه شده است.

مهم ترین اقداماتی که‌توسط دولت ها مـی‌توانـد برای تقویت سرمایه اجتماعی انجام شود، عبارتند از:

- تشویق و تقویت تشکیل نهادهای مدنی
- تقویت و غنی سازی آموزش های عمومی؛
- تامین امنیـت شـهروندان در جهـت حـضور داوطلبانه در نهادهای اجتماعی؛
- پرهیـز از تـصدی‌گـری بخـش هـای مختلـف اقتصادی و فرهنگـی و واگـذاری فعالیـت هـای مربوطه به نهادهای مردمی برای جلب مشارکت‌آن ها در فعالیت ها و زمینه سازی، ایجاد و تقویت نهادهای اجتماعی و شبکه های اعتماد بین آحـاد مختلف مردم.

۶. منابع و مآخذ

1. Alguezaui, S and Raffaele F. 2010. “Investigating the Role of Social Capital in Innovation: Sparse versus Dense Network.” Journal of Knowledge Management 14(6):pp.891–909.
2. Adler, P. S. & Kwon, S-W. (2002). “Social Capital: Prospects for a New Concept”, The Academy of Management Review, Vol. 27(1), pp: 1740. DOI:10.5465/amr.2002.5922314, http://amr.aom.org/content/27/1/17.
3. Anheier, H. and Kendall, J. (2002) “Interpersonal Trust and Voluntary Associations”. British Journal of Sociology 53:pp. 343−362.
4. Bourdieu, P. (1986) “The Forms of Capital” in Richardson, J. G. (ed.) Handbook of theory and research for the sociology of education. New York: Greenwood Press, Pp. 241−258.
5. Bourdieu, P. (1983). Ökonomisches Kapital, kulturelles Kapital, soziales Kapital. Soziale Welt, Special Issue 2, pp.183-198.
6. burt. R.(1997). The contingent value of social capital . adminstrative quarterly 42 (9).
7. Coleman, J.S. (1988). Social capital in the creation of human capital. American Journal of Sociology, S95-S120.
8. Caroll, M. and J. Stanfield (2003), “Social Capital, Karl Polanyi, and American social and institutional economics”, Journal of Economic Issues, Vol. 37, pp. 397-404.
9. Claridge.t. (2019). Sources of social capital. Social Capital Research. pp 1-9.
10. Erickson, B. H. (2004) “The Distribution of Gendered Social Capital in Canada”, in Flap, H. and Volker, B. (eds.) Creation And Returns Of Social Capital. London: Routledge, Pp 27−50.
11. Fukuyama. F. (1999). Social Capital and Civil Society. International Monetary Fund.
12. Fukuyama, Francis (2000). “Social Capital and Civil Society”, IMF Working Paper No. WP/00/74, April, pp. 1-19. Available at SSRN: https://ssrn.com/abstract=879582.

13. Granovetter, M. S. (1985). ‘Economic Action and Social Structure: The Problem of Embeddedness’, xxx.
14. Glaeser, E. L., D. I. Laibson, J. A. Scheinkman and C. L. Soutter (2000) “Measuring trust”, Quarterly Journal of Economics, 115, 811-846.
15. Gooderham, Paul N. 2007. “Enhancing Knowledge Transfer in Multinational Corporations: A Dynamic Capabilities Driven Model.” Knowledge Management Research & Practice 5(1):34–43.
16. Hitt, M. A., Ho-Uk Lee and Yucel, E. (2002) “The Importance of Social Capital to the Management of Multinational Enterprises: Relational Networks among Asian and Western Firms”. Asia Pacific Journal of Management 19(2-3): 353−372.
17. Martikke. S .(2017). Social Capital – an Overview. gmcvo.org.uk. pp 1-12.
18. Macke.j & Dilly. E.(2010).Social Capital Dimensions in Collaborative Networks: The Role Of Linking Social Capital. International Journal of Social Inquiry .Volume 3 Number 2. pp. 121-136
19. Nahapiet, J, and Ghoshal, S. (1998). “Social capital, intellectual capital, and the organizational advantage”, Academy of Management Review, Vol. 23, pp. 242.
20. Nahapiet . J, & Sumantra . G (1998). “Social capital, intellectual capital, and the organizational advantage”, Academy of Management Review, Vol. 23, pp. 242.
21. OECD (2001), The Well-Being of Nations: the Role of Human and Social Capital, Centre for Educational Research and Innovation, Paris.
22. OECD. (۲۰۰۲) Social Capital: The Challenge of International Measurement. www.oecd.org/ dataoecd/2/47/2380584.pdf.
23. OECD Statistics Directorate.(2013). FOUR INTERPRETATIONS OF SOCIAL CAPITAL: AN AGENDA FOR MEASUREMENT . No 55. STD/DOC(2013)6. Pp 1-70. www.oecd.org/std/publicationsdocuments/workingpapers/
24. Lin, N. (1999), “Social Networks and Status Attainment”, Annual Review of Sociology, 25, pp. 467-487.
25. Lawless, H. T., & Heymann, H. (2010). Descriptive analysis. Sensory evaluation of food: Principles and practices, 227-257.
26. Serageldin, I and Grootaert. Ch. (2000). “Defining Social Capital: An Integrating View”, in Partha Dasgupta and Ismail Serageldin (eds.) Social Capital: A Multifaceted Perspective, Washington, D.C.: World Bank.
27. seibert.s.& et al.(2001).a social capital theory of career success. Academy of management journal . vol 44. No 2 .
28. Sobel, J. (2002) “Can We Trust Social Capital?” Journal of Economic Literature 40(1): 139−154.
29. Snyder, H. (2019). Literature review as a research methodology: An overview and guidelines. Journal of business research, 104, 333-339.
30. Putnam, R.D. (2001). Bowling alone: The collapse and revival of American community. New York: Simon and Schuster.
31. Van Oorschot, W. and Gelissen, J. (2006) “Social Capital in Europe. Measurement and Social and Regional Distribution of a Multifaceted Phenomenon”. Acta Sociologica: Journal of the Nordic Sociological Association: Special Issue on Social Capital 49(2): 149−166.
32. Woolcock, M. and Narayan, D. (2000) “Social Capital: Implications for Development Theory, Research, and Policy”. The World Bank Research Observer 15(2): 225–249.
33. WORLD BANK . (2004). Measuring Social Capital. no. 18.pp 1-53.

Explaining the Conceptual Foundations of Social Capital

Mohammad kazempour teymourloy [*1]

Abstract

Background and Objective: The literature on the theoretical and empirical aspects of social capital has grown significantly over the past decade. Social capital is defined as networks accompanied by norms, values, and shared understanding that facilitate cooperation within or between groups. In a society lacking sufficient social capital, other forms of capital remain ineffective and are wasted. This is why social capital is considered the central axis of management in organizations. The aim of this study is a comprehensive review of the main concepts and components of social capital.

Method: A descriptive method based on document study.

Findings and Conclusion: In this study, three theories, three approaches, two perspectives, three levels of analysis, and three measurement frameworks for social capital were identified. The entire concept of social capital focuses on social relationships, and its main elements include social networks, civic participation, norms of reciprocal interaction, and public trust. In general, as an individual and collective asset, it is defined in the form of shared norms, values, beliefs, trust, networks, social relationships, and institutions that facilitate cooperation and collective action for mutual interests.

Keywords

Approaches, Sources, Level of Analysis, Measurement.

1. PhD candidate of Public Administration, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. (*Corresponding Author: mkazempour4@gmail.com).